



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## ابجدی

تبادل است و به جای اتحاد بین زن و مرد برای رسیدن به تکامل، هر کدام در پی انکار یکدیگرند و اندیشه انسان سالاری که می‌تواند راهگشای تکامل و تعادل اجتماعی و جلوگیری از هرگونه تبعیض باشد به فراموشی سپرده می‌شود. بنابراین هنرمندان متعهد همواره در این زمینه احساس مسئولیت می‌کنند.

غاده السمان شاعر و رمان‌نویس معاصر عرب شهرتی جهانی دارد. شعر دوستان ایرانی با ترجمه‌های زیبای دکتر فرزاد با اشعار شگفت او آشنا هستند. دکتر عبدالحسین فرزاد تاکنون سه دفتر از گزیده اشعارش را به چاپ رسانده است.

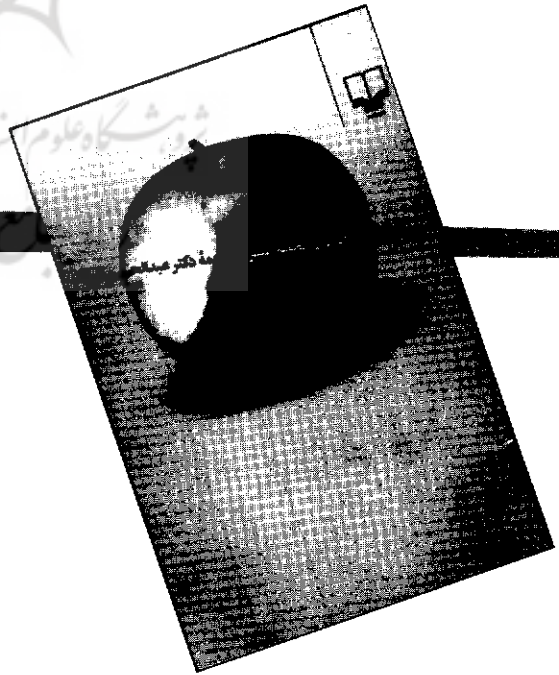
اکنون دفتر چهارم او با عنوان **ابدیت لحظه عشق** منتشر شده است. آنچه در اولین صفحات کتاب قابل توجه است مقدمه بسیار دقیق و

از آنجا که رفع سوءتفاهم تاریخی بین زن و مرد و احقاق حقوق زن همواره دغدغه خاطر بسیاری از اندیشمندان و نویسندگان و شاعران بوده است، بنابراین گام‌های مهمی در این زمینه از سوی شاعران برداشته شده است. متأسفانه باید بپذیریم که هنوز راه درازی در پیش رو داریم، چرا که هنوز بسیاری از زنان بدون آنکه خود آگاه باشند مردانه می‌اندیشند و برخی دیگر با اندیشه‌های فمینیستی به انکار مرد برخاسته‌اند و هنوز مسئله جنسیت بین زن و مرد باقی است.

در اغلب خانواده‌های شرقی هنوز سالار بودن مدنظر است و حتی برخی از زنان ما که به آگاهی‌های علمی و آزادی اجتماعی دست پیدا کرده‌اند خود نیز همچون مردان به سالار بودن (زن سالاری) می‌اندیشند غافل از اینکه با این اندیشه چرخه سالار بودن بین زن و مرد در حال



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



مریم عالیداعی

پیشین خود به مقوله عشق می‌پردازد با این تفاوت که در مجموعه ابدیت لحظه عشق همان گونه که در مقدمه اشاره شده نگرش جوهری این شاعر به عشق بیشتر به چشم می‌خورد. او تنها عشق را سبب هویت انسانی می‌داند، زیرا عشق انسان را در زمان حلقوی قرار می‌دهد و به او ابدیتی بی‌مانند می‌دهد.

تجربه عشق در جامعه انسانی تجربه‌ای جمعی است، که با عشق دو جنس مخالف آغاز می‌شود و زن و مرد پس از تکامل بخشیدن به یکدیگر، به جهان از سوی خود کمال می‌بخشند.<sup>۱</sup> او نیز همانند بسیاری از هنرمندان در پی اندیشه انسان سالاری از عشق مدد جسته است. او معتقد است «من همواره در برابر آزادی از نوع آمریکایی، که مرد را دشمن زن می‌یابد ایستاده‌ام و خواهان همانندی بین زن و مرد نیستم بلکه خواهان تکامل هستم.»<sup>۲</sup>

جامع مترجم است که وسعت دید بیشتری به خواننده می‌دهد تا با آگاهی بهتر نسبت به سیر اندیشه نویسنده به مطالعه بپردازد.  
غادة السمان در این کتاب (ابدیت لحظه عشق) همچون آثار

جهان پیشینم را انکار می‌کنم

جهان تازه‌ام را دوست می‌دارم

پس گریزگاه کجاست

اگر چشمانت سرنوشت من نباشد؟<sup>۳</sup>

او در این شعر بدون وجود معشوقش (مرد) گذشته و آینده را به رسمیت نمی‌شناسد.

در شعر دیگرش، همواره معشوقش را با تمامیت او فرامی‌خواند و به یکرنگی و صداقت او (حتی در تزیین حقوقش) ارج می‌نهد:

دوست می‌دارم، خیانت‌هایت را

که به من روا می‌داری،

زیرا تأیید می‌کند که زنده‌ای،

و از دروغ و نقاب پوشیدن،

ناتوان.

مرا نقاب‌ها به درد می‌آورد

بیش از به درد آوردن خیانت!

ضربه‌های دشمنات را دوست می‌دارم،

زان روی که حتی یک بار

از پشت پر من فرود نیامده است...

تو را دوست می‌دارم،

زان روی که چون ما، وصل را دریابیم،

نجوای چلچله‌های دریایی و دریا را درمی‌یابیم.

مردی را چون تو،

ده‌ها زن نمی‌توانند دربرگیرند،

پس ای جانان من!

چگونه می‌توانم من

یکباره

همه آنان باشم؟!<sup>۴</sup>

در شعر «شبحی در دمشق» به سرگردانی انسان معاصر که برای رهایی از تنهایی در جست‌وجوی معشوق است اشاره می‌کند:

هزار سال بود

که در دراز نای شب،

می‌رفتم و می‌آمدم...

و عشق را فریاد کردم

که هرگز نمی‌آمد.<sup>۵</sup>

به نظر می‌رسد تنها عشق می‌تواند انسان را از سرگردانی، تنهایی و پوچی نجات دهد و به زندگی او معنا ببخشد. انسان بدون عشق نمی‌تواند در دنیایی که هنوز نمی‌داند آمدن و رفتنش بهر چیست این همه رنج و سختی را تحمل کند و به جنگ تقدیر بشتابد.

در هر عصری عشق به گونه‌ای در اشعار شاعران به چشم می‌خورد و ابعاد مختلف زندگی انسان را دربرمی‌گیرد همچنان که در شعر «دریای بیروت»، غاده السمان عشق خود را به وطنی که سراسر آن را پلیدی‌ها فرا گرفته این گونه بیان می‌کند:

در عشق تو غوطه می‌خورم

چونان کسی که در دریای ژرف و سیاه

فرو می‌رود

آکنده از افعی‌ها، کژدم‌ها، پلشتی‌ها، و پستی‌ها

و از دریای تو بیرون می‌آیم

تن شسته با نور!<sup>۶</sup>

گویی تمامی شاعران دموکراتیک چه زن و چه مرد در اشعار عاشقانه خود نگاه خاصی به معشوق دارند. معشوق در شعر آنان از جایگاه ویژه و مهمی برخوردار است. معشوق همواره همراه آنها و حماسه آفرین است. بنابراین ترکیب عشق و حماسه، سبب جذابیت می‌شود و اشعار عاشقانه آنها صلاحیت خاصی دارد.

در اینجا شعری از پابلو نرودا شاعر متعهد شیلی را می‌آوردم که نشان‌دهنده دیدگاه مشترک غاده السمان نسبت به معشوق با اوست:

مدوسا

مجاللی نیست تا برای گیسوانت جشنی به پا کنم

که گیسوانت را یک به یک

شعری باید و ستایشی.

دیگران

معشوق را مایملک خویش می‌پندارند اما من می‌خواهم تماشايت

کنم...

مگذار در این دنیای تاریک بی‌تو گم شوم

موهای تو

این سوگواران سرگردان بافته

راه را نشانم خواهند داد

به شرط آنکه، دریفشان مکنی.<sup>۷</sup>

به نظر من آنچه موجب شده اشعار غاده السمان برای خوانندگان ایرانی تا این اندازه جذاب شود شیوه گزینش واژگان زیبا و مناسب و تصویرسازی‌های شعری دکتر فرزاد است که ترجمه را از صورت ترجمه به شعر فارسی تبدیل می‌کند و خواننده ایرانی، شعر را ملموس می‌یابد. ما این ویژگی‌ها را در ترجمه‌های دیگر دکتر فرزاد نیز می‌بینیم: بدرشاگر السیاب:

### سرود باران

چشمانت،

دو نخلستانست

در سحرگاهان،

یا دو مهتابی

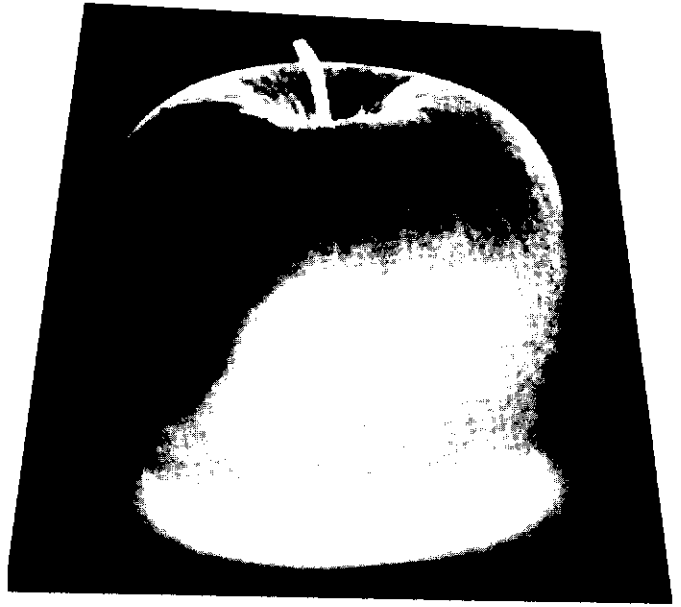
که ماه، از آن

نهان است

چشمانت،

چون به تبسم می‌نشینند

در تاکستان‌ها،



به حقوق و منافع ملت‌های عقب‌نگه داشته شده ، حمله می‌کنند .  
 شاید بتوانم بگویم که تکان دهنده‌ترین شعر در مجموعه ابدیت  
 لحظه عشق آخرین شعری است که در صفحه پایانی قرار دارد . این  
 شعر «غربت‌های بسیار و عشقی یگانه» نام دارد . این شعر زبان حال  
 آوارگان فلسطینی در اروپا و نیز همه آوارگان جهان است:

آیا روزی را چون من زیسته‌ای؟  
 اندوه غربت

در ایستگاه قطارهای اروپای شمالی  
 یخ زده است .

این آواره ، برای نخستین بار  
 بدان گام می‌نهد

در حالی که نام آنجا را نمی‌تواند درست هجی کند!  
 آیا باران نامنظم و دیوانه را تحمل کرده‌ای

در حالی که نقشه‌ات را  
 در کنار خیابان می‌خوانی

و اتومبیل‌ها

به صورت گل می‌پاشند  
 و تو راحت را نمی‌یابی!

آیا روزی صدای حق‌هق خویشتن را شنیده‌ای  
 در گذرگاهی خالی از رهگذران

میان رستوران خاکستری  
 و اتاقک را در مهمانخانه گمشدگان (هتل خیابان)؟

پس اگر چنین نبوده‌ای  
 هرگز روزی شادی مرا در نخواهی یافت

هنگامی که به سوی تو باز می‌گردم  
 و به بیروت ...

(ص ۹۰-۹۱)

### پانویست‌ها:

- ۱- غادة السمان ، ابدیت لحظه عشق ، ترجمه عبدالحسین فرزند ، نشر چشمه ، چاپ اول ، ۱۳۸۳ ، ص ۱۱ و ۱۲ .
- ۲- غادة السمان ، غمناهمای برای یاسمن ، ترجمه عبدالحسین فرزند ، نشر چشمه ، چاپ اول ، ۱۳۷۷ ، ص ۲۱ .
- ۳- غادة السمان ، ابدیت لحظه عشق ، ص ۱۱۷ .
- ۴- همان ، ص ۲۶ .
- ۵- همان ، ص ۴۶ .
- ۶- همان ، ص ۲۴ .
- ۷- پابلو نرودا ، ابدیت یک بوسه ، ترجمه شاهکار بینش پژوه ، انتشارات معین ، چاپ اول ، ۱۳۸۳ ، ص ۱۱ .
- ۸- عبدالحسین فرزند ، رویا و کابوس ، انتشارات مروارید ، چاپ اول ، ۱۳۸۰ ، ص ۶۰ .

برگ می‌روید

و نورها به رقص برمی‌خیزند  
 چونان هزار ماه ، در بستر رود ،

که پارویی ، آرام

آن را در سحرگاهان

به لرزش درمی‌آورد .

در ژرفای چشمانت

گویی

ستارگان در ضربانند ...<sup>۸</sup>

از عوامل دیگری که در جذب خواننده تأثیرگذار است ، کوتاهی  
 مجموعه است که مانع از ملال خاطر و دل‌گزایی خواننده می‌شود . طرح  
 بسیار زیبای روی جلد و گزینش شعر بر جلد کتاب نیز کششی را برای  
 هر بیننده‌ای ایجاد می‌کند .

در آخرین دفتر غادة السمان ، ابدیت لحظه عشق ، اشعاری وجود دارد  
 که هر نوع شک و شبهه‌ای را در سیاسی بودن این شاعر توانا از میان  
 می‌برد . بی‌تردید او شاعری سیاسی و متعهد به آرمان انسانی است:

من نافرمانم

در برابر میکروفن‌ها و تازیانه رام‌کننده سیرک ..

من نافرمانم

در برابر دیکتاتوری که دستار اعتراض بر سر دارد

و جلادی که برای آزادی سخنرانی می‌کند

در حالی که در پی فرصتی است تا آزادی را

برباید و ترور کند .

من نافرمانم

در برابر آنان که مؤدبه عشق و عدالت می‌دهند ،

در حالی که خون از چکمه‌هاشان جاری است .

(ص ۵۹)

تردیدی نیست که غادة السمان در شعر بالا به آمریکایی‌ها و  
 هم‌دستانش نظر دارد که به بهانه گسترش عدالت و مبارزه با تروریسم ،